



پژوهش‌های تاریخی انجام شده در نیم قرن اخیر و به خصوص در سال‌های نه‌چندان دور در حوزه و گستره دوران حکومت قاجارها کم نیستند و با نگاهی ریزبینانه، منوجه می‌شویم که بیشتر این پژوهش‌ها، آثاری درخور و قابل‌استناد هستندو همگی پژوهش‌هایی ارزنده محسوب می‌شوند،اما آنچه کتاب «جامعه‌نگاری عهد قاجار» نوشته دکتر پرپسا کدیور را که توسط نشر ققنوس به چاپ رسیده است،از بقیه آثار در این حوزه متمایز می‌دارد، موضوعی است که اطلاعات روی آن انجام‌شده‌است و حاصل آن تبدیل به کتابی با ساختار و شاکله‌ای متفاوت شده است. معمولا اکثر آثار در این حوزه، با رویکردی سیاسی، علمی و گاهی تخبه‌گرا نوشته می‌شوند و همواره بزرگان و سرآمدان یک جامعه آماری را در برمی‌گیرد، اما در کتاب جامعه نگاری عهد قاجار، با پژوهشی مواجه می‌شویم که عوام مردم، زندگی روزمره آنها، مداخلاتشان در امور جامعه و سبک و ساختار زندگی آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. یعنی به تعبیری دیگر، روزشمار آن دوران با نگرشی مردم محور مورد مطالعه قرار گرفته است. کتاب در ۷ فصل نوشته شده‌است که در این هفت فصل مفصلا در مورد نظام طبقاتی در آن دوران، ساختار اقتصادی دوره قاجار، ساختار شهری، خلق و خوی ایرانیان در دوره قاجار، اعیاد آئین‌های ملی و مذهبی، پوشش مردم و آداب و رسوم و روزمرگی‌های آنها صحبت شده است.مورخان روزمره کوشیدند تا راه‌هایی را که در آن پدیده‌های جمعی نتیجه‌عاملیت فردی و فعالیت‌های مردم عادی باشد را به نمایش بگذارند. از نظر آنها زندگی روزانه عامه،جزئی از فرآیندی است که طی آن ساختار وایدئولوژی بازتولید می‌شودو تغییر می‌کند. آنها معتقدند مردم عادی بیش‌ترین نقش را در ساختن اجتماع خود بر عهده دارند.... همان‌طور که می‌دانیم ناراضیاتی‌های مردم و به دنبال آن انقلاب مشروطه یکی از بارز ترین اتفاقات در دوره قاجار به حساب می‌آمد که تبعات بسیاری را به همراه داشت. اگر چه حکومت قاجار همواره برای حفظ تمامیت ارضی خود پای به بند معاهده‌هایی ناخوشایندی داده است، اما انقلاب مشروطه فارغ از همه این‌بی تدبیری‌ها یکی از نقاط عطف آن دوران به حساب می‌آید.اتفاق مردم عادی و بزرگان در این اتفاق، نشان می‌داد که نقش اجتماعی در زندگی اجتماعی‌شان و البته ساختن سرنوشت خود، کم‌کم در حال پررنگ شدن بود و آنها رسما پایه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی گذاشتند که تا آن زمان به این مسأله کمتر توجه شده بود.

کتاب مقدمه‌ای تقریبا مفصل با عنوان جدید، سطرهای همیشه ناخوانده‌دارد که اشاره بر مقدمه‌های کتاب‌ها که معمولا خوانندگان آن را با نمی‌خوانند یا بسیار سطحی از آن عبور می‌کنند دارد که در مورد این کتاب بهتر است حتما مطالعه شود. «...سکه‌های نقره بیش از سکه‌های طلا در بازار و معاملات رد و بدل می‌شد، به نحوی که پول استاندارد در ایران نقره محسوب می‌شد(با واحدقران). به مرور سکه‌های نقره نیز کمپا شدند و باوجود تدابیر دولت مبنی بر تمرکز و جمعیت ضرابخانه‌ها و جمع آوری سکه‌های قدیمی و ضرب مجدد آنها، باز هم سکه‌های نقره بافلاصله پس از ورود به بازار نایاب می‌شدند....»

همان‌طور که در تاریخ نگاری مدام مرسوم بوده است که کشتگری فرادستان را رصد کنیم و حضور پر رنگ آنها را هر عرصه روئیت نامییم،در کتاب دکتر کدیور از فرودستان کواچیم شنیدم. از ملامی که گاه‌در نبود حق و حقوق اساسی‌شان بر آنها وارد می‌شد واز اشتباهات و فکزی‌هایی که به واسطه بزرگانی چون بزرگان عهد قاجار بر آنها روا داشته می‌شد. کدیور که قبلا هم کتاب «پرده‌نشینان عهد ناصری» از او به چاپ رسیده بود، نشان داده که شاید تاریخ نگاری منهای وجه‌های عمومی و آنچه که از آن به عنوان تاریخ وقایع مهم یاد می‌شود وجه دیگری هم دارد که چه بسا بسیار تاثیر گذار تر از وجه عام آن است.

نکته قابل توجه دیگر در کتاب جامعه نگاری عهد قاجار، جامعه نمونه است. یعنی جامعه‌ای که مطالعه بر روی آن انجام‌شده است. همان‌طور که می‌دانیم در اغلب تاریخ نگاری‌ها در مورد ایران مخصوصا در مورد دوره قاجار، جامعه نمونه:دارالخلافه، تهران بوده‌است و اغلب دیگر شهرها و احتمالا روستاهای دیگر کمتر مورد بحث قرار گرفته‌اند،اما در این کتاب به اطلاعات موجود و آماری از دیگر شهرها و روستاهای ایران نیز نقبی زده شده‌است. «... اطلاعات پراکنده‌ای از کسبه و پیشه‌وران برخی از شهرهای بزرگ آن دوره موجود است؛ یک گزارش مالیاتی از اصفهان در دوره ناصری (۱۲۵۶ هـ.ج/۱۲۱۹ هـ.ش)، ۱۹۷ صنف کاسب و پیشه ور را نام برده است که برخی از آنها بافندگان، پنبه زنان، سراج‌ها، کلاه‌دوزان، خیمه دوزان، زرگران، نقره کاران، کفاش‌ها و عبادوزان بودند. در همان گزارش مالیاتی، قریب به دویست پیشه در تهران آورده شده است....» آنچه تفکر عوام را دستخوش تغییراتی می‌کند، تحولات اساسی در زندگی زنان است. برخلاف تصور رایج تغییرات در سبک زندگی زنان از اواخر دوره قاجار آغاز شد.انقلاب مشروطه بر زندگی طبقه متوسط جامعه و البته زنان تاثیرات زیادی گذاشت. نمونه بارز این تغییرات حق آموزش برای زنان بود. مثل دختران عبدالحسین میرزا فرامافرما که به مدارس میسیونری رفتند و در آنجا تحصیل کردند که نمونه‌ای از اولین دختران تحصیلکرده در دوره ناصری بودند.



محمدرضا آریان‌فر در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

ناشران محافظه‌کار سد خلاقیت نویسندehاند

آرمان ملی – بیتا ناصر: نسبت تخیل و واقعیت در یک اثر داستانی با باور پذیری مخاطب چیست؟ یک نویسنده، خصوصا اگر بخواهد در ژانر خاصی بنویسد، برای جلب‌نظر مخاطبان خود باید چه‌میزان بر قواعد وچقدر روی عنصر خلاقیت حساب باز کند؟ محمدرضا آریانفر (۱۳۲۳ خرمشهر) نویسنده و نمایشنامه‌نویس پرکار و پر انرژی است و مخاطبان او را با رمان‌هایی چون «شبی که گوزن‌ها در آتش سوختند»، «اسب‌ها هنوز در من شبیه می‌کشند»، «قص با طوفان»، «بانوی مه» و «شطرنج در باد» و مجموعه نمایشنامه‌هایی نظیر «دورایت جامانده»، «قل قول»، «زهو»، «دل و دشنه» و «مکت روی ریشتر هفتم» می‌شناسند. او معتقد است مسیر موفقیت در نوشتن، از دو ایستگاه زیاد خواندن و زیاد نوشتن می‌گذرد و هیچ راه میانبری وجود ندارد. آریانفر که به تازگی رمان «شبی که شکسپیر هملت را کشت» را روانه بازار کتاب کرده، دلبستگی به شیوه‌های قدیمی، ناآگاهی از تنوع ادبی و ظرفیت ژانرها و البته سیاست کاری ناشران را مانع از رشد ادبیات داستانی می‌داند و می‌گوید: «عادت به دلبستگی‌های دیروز، بسیاری از نویسندگان، و حتی ناشران ما را از توجه به گونه ژانر نویسی باز داشته است. اکنون جمله مشترکی که قریب به اتفاق ناشران ما در آن سهیم‌اند این است: کار تالیفی چاپ نمی‌کنیم.» این گفت‌وگواراد ادا هم می‌خوانید.

◀ **ژانرهای ادبی از نظر بعد پرداخت فضا، شخصیت‌ها و داستان چه قابلیت‌هایی در اختیار نویسنده قرار می‌دهد؟**
ادبیات داستانی جهانی بی‌انتها و شگفت‌انگیزی است که به سادگی می‌تواند مخاطب را به وادی خیال و واقعیت پرت کند. عموما پرداخت به هر نوع رمان و پیدایش هر مکتب ادبی، نوع نگرش نویسندگان به شیوه زندگی و دنیای پیراموشان است. مشاهده درک، تحلیل و توضیح ووصف هر نویسنده به‌طور کلی هر شخص متفاوت و مبتنی بر برداشت خود است. نویسنده دنیا را زاویه دید خودنگاه می‌کند، مشاهده پدیده‌ها سیاق‌صور و خیال را در اختیار او گذاشته تا فضا و شخصیت‌های مورد نظر خودش را خلق کند. دسته‌بندی‌ها راه، نویسنده این مشخص می‌کند که در این چهارراه، کدام سمت‌وسو را انتخاب کند تا بر سرنزل مقصود برسد. باید یاد نکته تاکید کرد که زبان و ژانر هر دو کارکرد مشابهی دارند و هر دو سعی دارند با پیروی از اصولی مدقن و نظاممند، جهان محبوب خود را خلق کنند تا نویسنده اثر مورد نیاز خودو خواننده‌اش را بنویسد. براساس دیدگاه ریک آلتمن «مخاطبان ژانرها که در پی لذت‌های ژانری مانند آسمان و ماورای آسمان و غیره‌اند، اجتماعی خیالی را تشکیل می‌دهند و به‌طور مستقیم با دیدن آخواندن آثار ژانری دلخواشان، با اجتماع اطراف خود تماس عمیق‌تری پیدا می‌کنند.» ژانرها، نظام‌مندند و به‌اصول تغییرناپذیر خود پایبند هستند. یکی از این قوانین، فضای داستان یا هر اثر هنری دیگر را روشن و واضح نشان می‌دهد. خلق فضا، نویسنده را با جست‌وجو برای یافتن شخصیتی که بتواند حرف او را برزند، آغاز می‌شود. فضا و شخصیت به مثابه کلید دروازه ورود به شهری افسانه‌ای است. نویسنده در همین شهر جادویی به دنبال شخصیتی که قرار است به نوشته او جان بدهد، می‌گردد. شخصیت‌ها، گاهی نوع روایت را برای نویسنده انتخاب می‌کنند؛ هر چند تصمیم و انتخاب شخصیت و نوع روایت را، تم و موضوع انتخاب می‌کند. به‌فرض اینکه نویسنده در پی خلق یک تعزیه است. قاعدتا باید تمام اصل و قواعد این ژانر رعایت شود تا هم شکل تم تغییر نکند، هم مفهوم ترازوی در تعزیه در امان بماند. نمایشنامه «مجلس ضربت خوردن» استاد بهرام بیضایی را در نظر بگیرید.ا فرض کنید استاد شمشر از ار دست‌اشقی الاشقا گرفته و به او شاخه گلی بدهد. این شاخه گل قواعد این تعزیه شناخته‌شده را تغییر می‌دهد. بهره گرفتن از فضا و شخصیت به تلاش و خلاقیت نویسنده وابسته است. مثلا انتخاب موضوعی در حوزه تعزیه در امان بماند.

◀ **استفاده از کار کردهای ژانر «فانتزی، معمایی، علمی تخیلی، پلیسی و...» چه لازمه‌هایی را برای نویسنده طلب می‌کند؟**

شرط اول را مطالعه مستمر و هدفمند می‌دانم، زیرا برای خوب نوشتن باید خوب هم خواند. نویسنده خوب، در وهله اول کتاب خوانی منضبط و تحلیل‌گری حاذق است و از این طریق می‌تواند به تولید محتوایی فراتر از خواننده‌های خود دست یابد. اندیشیدن مهم‌ترین بخش رسیدن به ایده‌ای بکر است. باید به این نکته توجه خاصی شود که نویسنده باید بر این قانون نانوشته دقیق شود که کتاب خوب، مانند یافتن ایده‌ای مطلوب و برجسته ساختن



خواندن داستانی تکراری را به خود بدهد. نویسنده هنگام نوشتن، به هیچ‌عنوان نباید سفر ذهنی خودش را متوقف کند. سفر جادویی برای خلق پارامترهای جادویی لازم‌ه نوشتن است. باید عناصر جادویی داستان مان را به شکل واقعی خود، در تار و پود واقعیات جامعه و زندگی خود و دیگران پیدا کرد. مارکز در مصاحبه‌ای به این نکته اشاره